

منظره، هرگز سیر نخواهم شد، آسمان
لاجوردین پرستاره که تجسمی از یگانگی
دارد و وجدان آدمی که شگفتی‌هایش قابل
توصیف نیست».

ویکتور هوگو نیز می‌گوید: «در دنیا
تماشاگاهی بزرگ وجود دارد که دریا نامیده
می‌شود. تماشاگاهی بزرگ‌تر وجود دارد که
آسمان نامیده می‌شود و تماشاگاهی عظیم‌تر
از آن، که وجدان آدمی نامیده می‌شود».

قرآن مجید بارها زیبایی‌های
وجودی عالم هستی را یادآور می‌شود و به
ترسیم تصویری گویا و زنده از آن مبادرت
می‌ورزد و پیامد آن، هدف نظاره کردن آن‌ها
را گوشزد می‌نماید.

مهم‌ترین زیبایی‌های وجودی از
دیدگاه قرآن

زیبایی آسمان و ستارگان

در چندین مورد از آیات قرآن، به
زیبایی آسمان و آراستن آن به ستارگان
تصریح شده است و خداوند عمل
زیباسازی آن را به‌طور مستقیم به خود

انسان درک می‌شود و احساس خوشایند آن
در درون آدمی سبب ایجاد حالت رضایت و
شور می‌گردد. این چنین حالت روحی‌یی،
برگرفته از فطرتِ رو به کمال بشر بوده و
حالتی نسبی و اضافی است.

اقسام زیبایی‌ها در قرآن

وقتی با دیده اندیشه به عالم وجود
می‌نگریم، دو نوع زیبایی را می‌یابیم. یکی
زیبایی‌هایی که بدون تصرف آدمی در
سطوح جهان هستی زیباست. دیگر آن که
پدیده‌هایی که با خلاقیت خدادادی انسان و
به کوشش او به وجود می‌آیند. می‌خواهیم
به بررسی زیبایی از دیدگاه قرآن در دو گونه
آن بپردازیم:

۱. زیبایی‌های وجودی

بی‌شک هر انسانی، آن‌گاه که به
تماشای صحنه‌های مختلف عالم هستی
می‌پردازد، از دیدن پاره‌ای از آن‌ها چنان
لذت می‌برد که درصدد تکرار آن لذت و
شور برمی‌آید.

کانت می‌گوید: «از تماشای دو

عنایت‌الله شریفی

زیبایی‌ها و زینت‌ها

از منظر قرآن مجید

تعریف زیبایی

واژه «زیبایی» بر اساس تعریف
دانشوران لغت، عبارت است از نظم و
هماهنگی که همراه با عظمت و پاکسی، در
شسئی وجود دارد و عقل و تخیل و
تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و
لذت و انبساط پدید می‌آورد^(۱). چنان که
برخی دیگر می‌گویند: «زیبایی به معنای
شکوه و زینتی است که بر تصاویر و معانی
واقع می‌شود». و حالتی است که در شخص
یا شیء زیبا وجود دارد. از دیدگاه فلاسفه،
جمال و زیبایی، صفتی است که در اشیا
مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و حالت
رضایت و شادمانی را در درون آدمی به
وجود می‌آورد^(۲).

ابن‌سینا - فیلسوف مسلمان - ده

قرن پیش بر این باور است که زیبایی و
شکوه هر چیزی عبارت است از این‌که به
گونه‌ای باشد که باید باشد^(۳). استاد
محمدتقی جعفری، زیبایی را نمودی
نگارین و شفاف بر روی کمال می‌داند که
عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع در
مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های
مربوط به خود^(۴).

بنابراین، زیبایی، وصف و حالت
موجود در خارج و عالم عین و وجود است
که با ایجاد رابطه بصری و لمسی، توسط

۱. ابراهیم مصطفی و دیگران، المجمع الوسیط،
ص ۱۳۶.
۲. حسین انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲،
ص ۱۳۶.
۳. محمد عماره، اسلام و هنرهای زیبا، ترجمه
مجید احمدی، ص ۱۵.
۴. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۷۳.

نسبت می‌دهد و با برقراری رابطهٔ زیبایی میان آسمان و ستارگان و تشبیه‌های گوناگون، به نگرستن و توجه به این زیبایی تأکید می‌ورزد:

«إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»^(۱).

«به راستی، آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم».

«...و زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»^(۲).

«...و ما آسمان دنیا را به چراغ‌ها (ستارگان) آراستیم و آن را به خوبی حفظ کردیم، این است اندازه‌آفرینی آن پیروزمند دانا».

«و لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ»^(۳).

«و به یقین، در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان آراستیم».

«أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ»^(۴).

«آیا به آسمان بالای سرشان نظاره نمی‌کردند که چگونه آن را ساخته و زیبا

گردانندیم و هیچ شکافی در آن وجود ندارد؟».

خداوند متعال در این آیات، انسان را به تفکر در زیبایی آسمان - به ویژه - آن زمان که ستارگان همچون چراغ‌های زیبا در آن می‌درخشند فرامی‌خواند. اصل خلقت آسمان بدون شکاف و آراسته به ستارگان، تنها برای حفظ و نفع‌رسانی نیست، بلکه

کافیت می‌گوید: «از تماشای دو منظره، هرگز سیر نخواهم شد، آسمان لاجوردین پرستاره که تجسمی از یگانگی دارد و وجدان آدمی که شگفتی‌هایش قابل توصیف نیست».

بدین منظور است که هر بیننده‌ای هنگام تماشای آن سرور لذت‌بخش حاصل از زیبایی‌اش را در خویش بیابد و از آن احساس لذت نماید تا اصل تکوین آن و آراستن آن به برج‌ها و چراغ‌ها او را به تفکر و شناخت آفریدگار آن‌ها واصل نماید.

۱. صافات: ۶. ۲. فصلت: ۱۲.
۳. حجر: ۱۶. ۴. سوره ق: ۶.

زیبایی خلقت انسان

زیباترین زیبایی‌های عالم هستی، زیبایی خلقت انسان است. خداوند در سوره «تین» پس از آوردن سوگندهای چهارگانه (سوگند به انجیر و زیتون، طور سینین و شهر امن (مکه) می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». «هرآینه ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده‌ایم».

بهترین و زیباترین تقویم، با گستردگی مفهومی خود، این مطلب را بیان می‌کند که خداوند انسان را موزون و شایسته آفرید. بنابراین، دو جهت اصیل انسانی یعنی جسمی و روحی، در زیباترین شکل موزونی آفریده شده است. عظمت تقارن زیبایی خلقت فیزیکی و روحی انسان تا آن جاست که تاکنون هیچ تحقیق بشری ادعا نکرده است که بر همهٔ عظمت فعالیت‌های مغزی و روانی انسان احاطه دارد. در دو سورهٔ دیگر آمده است: «...و صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ»^(۱). «...و صورت شما را کشید و این صورت‌گری را زیبا و نیکو انجام داد».

چه در مقایسه با صورت دیگر جانوران و چه از جهت نیکویی، خلقت انسان و تناسب و هماهنگی میان اندامش، زیباترین تصویر را برایش ایجاد کرده است که اگر با نگاه طبیعی و بدون غبار به آن بنگریم، نوعی نیکویی و زیبایی کلی را در آن می‌یابیم.

زیبایی حرکت حیوانات

قرآن مجید علاوه بر فواید حیوانات برای انسان، به زیبایی حرکت آنان می‌پردازد: «وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ»^(۲). «و در آن‌ها برای شما منظرهٔ زیبایی است که در هنگام شامگاهان آن‌ها را به جایگاه خود برمی‌گردانید و صبح‌گاهان که آن‌ها را به چرا می‌برید».

منظرهٔ جالب و زیبای حرکت دسته‌جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی چراگاه، سپس بازگشت‌شان به سوی استراحت‌گاه، بیانگر یک حالت روانی تحقق یافته در انسان نظاره‌گر بر آن‌هاست که

۱. غافر: ۶۴ و تغابن: ۳.
۲. نحل: ۶.

از دو نوع حرکت دسته جمعی ایجاد شده است.

در آیه ای دیگر می فرماید: «وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْخَمِيرِ لِيَتَرْكَبوها و زينة و يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^(۱). «و هم چنین اسب ها و استرها و الاغ ها را آفرید تا بر آن ها سوار شوید و هم مایه زینت شما باشد و چیزهایی می آفریند که شما نمی دانید».

این آیه نیز زینت بودن این حیوانات را برای انسان - آن هنگام که بر آن ها سوار می شود - تصویر می کند و این نوعی از زیبایی است که در زندگی اجتماعی ظاهر می گردد؛ زیرا سواره به حرکت در آمدن، نشاط و وقار بیشتری دارد. البته با بیان این نکته در پایان این آیه که مَرَكَب های دیگر در آینده می آفریند و در اختیار بشر قرار می دهد نیز به زیبایی آن چه در آینده خلق می کند اشاره می کند: «و يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به توصیف طاووس پرداخته است و آن را از شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش معرفی می کند؛ زیرا پرهایش همچون

دسته گلی است که از شکوفه های رنگارنگ گل های بهاری فراهم آمده است و...

زیبایی منظره های زمین

در آیات متعددی از قرآن، درباره زیبایی منظره های زمین سخن به میان آمده است که خداوند انسان ها را به این مناظر زیبا توجه می دهد و به تفکر و دقت در آن فرامی خواند: «...و أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ...»^(۲). «... و برای شما از آسمان، آبی فرستاد و به وسیله آن آب، باغ های سرور انگیز رویانیدیم...».

در این آیه، نموده های زیبایی زمین به وسیله گل ها، درختان و چمنزارها و دیگر رویدنی ها، به خداوند نسبت داده شده است تا سبب سرور و بهجت انسان بیننده آن ها شود. در آیه دیگری نیز می فرماید: «الَّذِينَ تَرَوْنَ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^(۳). «آیا ندیدی که خداوند از آسمان، آب فرستاد و زمین سبز و خرم گشت؟ بی شک

۱. نحل: ۸.
۲. حج: ۶۳.

۳. نمل: ۶۰.

خداوند لطیف و آگاه است».

با به یاد آوردن این نعمت های خداوندی، در زمین، کار زشت انجام ندهید و فساد نکنید تا خساق و ابداع زیبایی، مطلوب بودن خویش را از دست ندهد.

فرستادن آب از آسمان و به دنبال آن، سبز و خرم شدن زمین، لطفی از سوی خداوند به شمار رفته است. مولای سخن - امیرالمؤمنین علیه السلام - در سخنی زیبا، زینت زمین را این گونه بیان می کند:

«پس زمین به وسیله باغ های زیبا،

همگان را به سرور و شادی دعوت کرده است. با لباس نازک گسبرگ ها که بر خود پوشید، هر بیننده ای را به شگفتی واداشت و با زینت و زیوریه که از گل و بندگل های

گونگون، فخرکنان خود را آراست، هر بیننده ای را به وجد می آورد».

در برخی از آیات نیز به جنبه دیگری از زیبایی زمین اشاره شده است که: شما انسان ها در زمین های هموار، قصرها ساختید و از کوه ها خانه ها برای خویش تراشیدید. این سخن اشاره ای است که به وجود آوردن آنچه که زینت و زیور به حساب می آید از دیدگاه قرآنی جایز است. اما در پایان آیه به این نکته توجه می دهد که

زیبایی دریا

هر انسانی که به دریا می نگرد و یا از

ویکتور هوگو نیز می گوید: «در دنیا تماشاگاهی بزرگ وجود دارد که دریا نامیده می شود. تماشاگاهی بزرگ تر وجود دارد که آسمان نامیده می شود. تماشاگاهی عظیم تر از آن، که وجدان آدمی نامیده می شود».

آن چه در اعماق اقیانوس ها وجود دارد اطلاع داشته باشد، به زیبایی آن اذعان می کند و ما می خواهیم بگویم در شیوه بیان نیز به این زیبایی ها توجه شده است و بر جواز استفاده این زینت ها اشاره می کند: «و هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ جَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا...»^(۱). «و او خدایی است که شما را بر دریا مسلط کرد تا از گوشت تازه بخورید و وسایل زینت را

۱. نحل: ۱۶.

که می پوشید از آن بیرون بیاورید...».

در این آیه برای مسلط ساختن انسان بر دریا، دو علت و غایت ذکر شده است: استفاده از ماهیان دریا و استخراج مواد زینتی. آب های نیلگون دریاها - آنگاه که کشتی های غول پیکر بر روی آن به حرکت درمی آیند - برای هر بیننده ای در عین زیبایی، نشانه ای برای تعظیم در برابر قدرت لایزال الهی است و آیه، آن ها را غرض و هدف از خلقت و تسخیر دریا معرفی می کند.

توصیف افعال به زیبایی

در قرآن مجید پاره ای از افعال، به زیبایی و شکوه توصیف شده اند تا انسان را از زیبایی های ظاهری عبور دهد و او را به زیبایی های حیات معقول رهنمون گردد و در سیر تکاملی خویش، به این وصف های زیبا دست یابد؛ که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

زیبایی ایمان

ایمان؛ مصدر فعل باب افعال و از

ریشه «امن» می باشد. در لغت به معنای امنیت یافتن و در اصطلاح به معنای جای گیر شدن اعتقاد در قلب یا تصدیق چیزی با اطمینان و وثوق به چیزی یا کسی است که در هر دو معنا مفهوم ایمنی در کار است. امام رضا علیه السلام در تعریف ایمان می فرماید: «الإيمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان»^(۱). «ایمان عبارت است از شناخت قلبی و اقرار زبانی و پای بندی به مقتضای آن در مقام عمل». در آیات و روایات فراوانی به توصیف ایمان و نتیجه های ایمان و نتیجه های اثر بخش آن توجه شده است. یکی از ویژگی های مهم ایمان، زیبایی و آراسته شدن دل هایی است که با عمق جان از آن برخوردار هستند. خداوند در قرآن می فرماید: «...و لکن الله خبیب الیکم الإیمان و زینته فی قلوبکم و کرة الیکم الکفر و الفسوق و العیسیان...»^(۲). «...ولی خداوند ایمان را به دل های تان دوست داشتنی قرار داد و ایمان را در دل های شما با زیبایی بیاراست و کفر و فسوق و معصیت را برای

۱. صدوق، عبون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. حجرات: ۷.

شما زشت و کراهت بار ساخت...». آن ها دعوت می کند.

منظور از محبوب و زیبا قراردادن ایمان، این است که ایمان را به جمالی آراسته است که قلب های ایشان را به سوی خویش جذب می کند؛ به گونه ای که از عصیان و کفر و زشتی که در مقابل ایمان است دوری می گزینند^(۱).

از آن جا که خداوند دارای حکمت بی انتهاست و می خواهد تکامل انسانی را تحقق بخشد، زمینه های آن را فراهم ساخته است. به این معنا که ایمان را که سبب تکامل بشر است، در قلب های ایشان «دوست داشتنی» قرار می دهد. آتش عشق طلبی و حقیقت جویی را درون جان ها شعله ور می سازد و روح او را همگام با دستورهای دینی پرورش می دهد. بنابراین، زیبایی خواهی انسان، او را به سوی پذیرش صفات و کارهای زیبا پیش می برد. از این رو ترسیم درست و حقیقی از خداوند و دستورهایش هر انسانی را که غبار غفلت بر قلبش نشسته باشد، به سوی خویش فرامی خواند. در مقابل، درک زشتی و کفر و کارهای آلوده ساز، با ضمیر زیبایاب انسان سازگار است و انسان را به نفرت نسبت به

زیبایی بخشش

قرآن مجید درباره زیبایی بخشش و گذشت از دیگران می فرماید: «...إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ...»^(۲). «...بی شک روز رستاخیز فرا خواهد رسید، با عفو و بخشش زیبا از لغزش های مردمان...».

در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داده می شود که در برابر لجابت، خطا کاری و مخالفت های پاره ای از مردمان، ملامت و محبت نشان بده و از گناهان ایشان درگذرد و آن ها را با بخششی زیبا که توأم با سرزنش و ملامت نباشد، مورد لطف خود قرار بده. بنابراین همان طور که امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند، عفو و بخشش زیبا آن گذشتی است که همراه مؤاخذه و سرزنش نباشد: «العفو من غیر عتاب»: «عفو و بخشش بدون سرزنش، جمیل است»^(۳).

۱. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۳.
۲. حجر: ۸۵.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص

بردباری زیبا

در قرآن مجید در توصیف صبر به زیبایی و فرمان به آن می خوانیم: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا»^(۱): «بنابراین، صبری زیبا پیشه کن».

استقامت زیبا آن است که به هیچ کس غیر خدا شکوه نکنی، به گونه ای که غیر او کسی از مصیبت و گرفتاری تو باخبر نشود. صبر جمیل و زیبا به معنای شکنجایی زیبا و قسایل توجه است که دارای تداوم باشد و ناامیدی در آن راه نیابد و همراه بی تابی و شکایت و آه و ناله نگردد. قابل توجه است که دارای تداوم باشد و ناامیدی در آن راه نیابد و همراه بی تابی و شکایت و آه و ناله نگردد.

ولی از آن زیبایی برخوردار است که هرگونه زیبایی را معنا و محتوا می بخشد. انسان بردبار و شکیبیا که درونی آرام و واقع نگر دارد و از آن اضطراب و تلاطم ها که در ارتباط با نموده های جهان عینی، تأثیر ناهنجار می گذارد، به دور است. در این حالت است که زیباها زیبایی خود را با بهترین وجه برای انسان نمودار می سازند.

استقامت زیبا آن است که به هیچ کس غیر خدا شکوه نکنی، به گونه ای که غیر او کسی از مصیبت و گرفتاری تو باخبر نشود. صبر جمیل و زیبا به معنای شکنجایی زیبا و قسایل توجه است که دارای تداوم باشد و ناامیدی در آن راه نیابد و همراه بی تابی و شکایت و آه و ناله نگردد.

بنابراین دست یابی به روحی زیبا، دستاورد انجام کارهای زیبا و برگیری ویژگی های زیباست^(۲). بر این اساس، همچنین «صبر زیبا» آن است که انسان از حوادث دشوار زندگی

۹۳، حدیث ۵۶.
۱. معارج: ۵.
۲. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۸.

زیبایی ها و زینت ها از منظر قرآن

نهراسد و پیمانانه صبرش لبریز نگردد و سخنی که نشان دهنده ناسپاسی، کفران، بی تابی و جزع و فزع است، بر زبان جاری نسازد؛ چرا که در سایه چنین صبری آن حوادث نیز اسباب تکامل او را فراهم می سازند.

جدایی و مفارقت زیبا

خداوند در قرآن مجید به پیامبرش دستور می دهد: «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ اٰهٰجِزْهُمْ هٰجِزًا جَمِيْلًا»^(۱). «به آن چه می گویند بردبار باش و از آنان دوری گزین. دوری و جدایی زیبا».

این زیبایی هنگامی است که انسان نمی تواند برای اشخاص منحرف و کج رو کاری انجام دهد و آنان را به راه راست هدایت کند پس از آنان دوری می گزیند. در این جدایی نه تنها از اصول و قواعد انسانی تعدی نمی کند و دردی به دردهای خود و انسان یا گروهی که از آنان جدا می شود نمی افزاید، بلکه این کار را برای آگاه ساختن و تحصیل اعتدال روحی برای آن انسان یا گروه انجام می دهد.

روح چنین انسانی از نوعی زیبایی عالی برخوردار است. تحصیل چنین زیبایی بسیار دشوار است و می توان گفت کمتر کسی توانایی به دست آوردن این زیبایی مملکتی را دارد؛ حتی برخی از شخصیت های چشم گیر تاریخ را می بینیم که به جهت ناراحتی از شخص یا گروهی نه تنها نتوانسته است با آن ها جدایی و مفارقت زیبا داشته باشد، بلکه همه انسان ها را متهم ساخته و به نوعی بدبینی شدید دچار شده است. در تارخ بشریت تنها یک نفر را می بینیم که دارای چنین روح زیبایی بوده است و او امام علی علیه السلام است که در لحظات واپسین زندگی به جای ابراز بدبینی به انسان ها و تحقیر و اهانت به آنان، با جملات گوناگون، نهایت احترام و تعظیم را به مقام انسانیت به جا می آورد. از جمله: «لَا اَلْفَيْنِيَكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمَطْلَبِ تَحْضُونُ فِیْ دِمَائِ الْمُشْرِكِيْنَ. يَقُولُونَ قَتَلَ عَلِيٌّ قَتَلَ عَلِيٌّ». «نسیتم شما را ای فرزندان عبدالمطلب! که در خون مسلمانان فروروید و کشته شدن مرا بهانه بیاورید و بگویید:

۱. مؤمل: ۱۰.

علی کشته شد! علی کشته شد!».

آنچه در مورد زیبایی جدایی گفتیم، مربوط به جایی بود که خود زندگی نیز بشر را به سوی جدایی سوق می‌داد. علاوه بر این‌ها، در قرآن مجید نیز به مواردی از جدایی زیبا اشاره شده است. از باب نمونه، وقتی مردانی که دارای قدرت زیادی هستند و بدین‌گونه همسران‌شان را مورد ظلم قرار می‌دهند گوش‌زد می‌کند که یا همسر را به‌طور شایسته نگاه دارید و یا با نیکی و احترام رهاش کنید. چنان که می‌فرماید:

«...وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً»^(۱):

«...به صورت شایسته و زیبا زنان مطلقه را رها کنید».

واژه «سراح جمیل» به معنای رهاساختن همراه با محبت و احترام و ترک هرگونه خشونت و ستم و بی‌احترامی است. وقتی دو همسر به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند با یکدیگر زندگی موفق داشته باشند و تصمیم به جدایی گرفتند، باز هم

نباید هرگونه بی‌مهری، ظلم، بدگویی و خشونت را برای خود جایز بدانند و جدایی خویش را زشت و زنده کنند، بلکه اگر پیوندها همراه با صلح و صفا زیباست، جدایی‌های همراه با تفاهم و اصول نیز زیبا خواهد بود.

یکی از آثار مهم جدایی زیبا و همراه با احترام این است که امکان و زمینه برگشت به زندگی را در آنان فراهم می‌سازد؛ زیرا گاه ممکن است در آینده این زن و مرد بار دیگر به فکر تجدید زندگی مشترک بیافتند. در این صورت اگر با بدرفتاری شسدید از یکدیگر جدا شده باشند، راه بازگشت را به روی خود بسته‌اند و در صورت بازگشت هم زمینه فکری و عاطفی مناسبی ندارند. اما اگر با احترام و رعایت عواطف انسانی از یکدیگر جدا شده باشند می‌توانند دوباره با یکدیگر پیوند زناشویی موفق ببندند.

۱. احزاب: ۴۹.